

«مه فشانده نور وسگ عوعو کند»

(مولوی)

ملالی جویا در جواب این سوال ژورنالیست المانی الزاراس بک **Elsa Rassbach**، که به نظر شما دولت امریکا چی باید بکند؟ گفت:

" امریکا باید حمایتش را از جنگ سالاران و جنگ افروزها متوقف بسازد و کمک کند که انسانهایی مثل سیاف، ربانی، قانونی، فهیم، خلیلی، محقق، اسماعیل و دیگران به عوض نصب شدن در مقامات کلیدی، بمثابه جنایتکاران جنگی به محاکمه کشانیده شوند. امریکا و متحدینش باید با جدیت گروپ های مسلح غیرقانونی را که خون مردم ما را میمکند، خلج سلاح کند. مردم افغانستان از جنایتکاران ائتلاف شمال که در قدرت هستند حمایت نمیکنند و آشکارا تا جایی که میتوانند بر ضد شان مبارزه میکنند به طور مثال عکس های شانرا در محضر عام به آتش میکشند. "



ملالی جویا، بعد از گرفتن جایزه حقوق بشر از شهردار فلورانس ایتالیا گفت: «این جایزه ارزش معنوی بزرگی برای من دارد و بر بار مسئولیت ها و وظایف من خواهد افزود تا قاطعانه تر از قبل علیه بیعدالتی و بنیادگرایان جنایتکار در کشورم کار و مبارزه نمایم. تشویق و اظهار همبستگی شما با کار و مبارزه من برای افغانستان آزاد، دموکراتیک و سکولار، بیشتر مرا برمی انگیزد تا مصمم تر برای بهروزی مردم نگویند پیکار نمایم.»

* *

امروز گرانمایه قلم بدستی با نام (ف، یاسر) ضمن دفاع از شیرزن افغان ملالی جویا، در مقالتهی سخت استوار و تنبیه کننده تحت عنوان (ابتکار سیستانی مناسب ترین باب افشا و...) در پورتال افغان-جرمن، از موضع گیری اینجانب نسبت به ملالی جویا حمایت نموده اند و ضمن کوبیدن و روفتن خار و خس از مقابل ملالی جویا، به چشم من کشیده که چرا در هنگامی که ملالی جویا از طرف " داد نورانی" مورد حمله توهین آمیز قرار گرفت، نه من، نه داکتر میر عبدالرحیم عزیز، نه معروفی و نه ملالی نظام، نه حمید انوری و نه حکیم نعیم به دفاع از او برخاسته ایم، و در مورد من علت آن را رعایت حال و پنداری در حق نورانی و نمود کرده اند.

به این نویسنده محترم باید عرض کنم که، ما را اگر خدا دل و گرده بی چون ملالی جویا نداده، ولی نیمچه قلمی نصیب کرده است تا معنا از وی حمایت کنیم و بگوئیم: شکسته باد قلمی که در جهت تخریب و ترور شخصیت ملالی جویای عزیز بکار رود. من کفش کهنه ملالی جویا را به صد تا نورانی و ارازل و اوباشی که به چشم کم به ملالی جویا بنگرند، عوض نمیکنم، تا چه رسد به آن سخنان کثیف و بویناک و عاری از شرافت و عفت که تا امروز از سوی هیچ صاحب قلم با وجدانی روی کاغذ نریخته است. من نه داد نورانی را می شناسم و نه با او کدام سوابق آشنائی دارم، و نه پنداری او برای من کدام اهمیتی دارد، ولی اینقدر میگویم که بعد از نشروپخش اراجیف او به آدرس ملالی جویا، دیگر روی سایت روزگاران را باز نکرده ام و به نوشته های آن به اندازه پراکاهی ارزش قایل نیستم. باور کن هموطن عزیز که روز ۱۱می ۲۰۰۸ یعنی یک روز بعد از نشر مقاله آقای عاصم سیف، مطلب زیر را نوشتم و گمان کرده ام آنرا به افغان - جرمن آنلاين فرستاده ام، اما امروز بعد از خواندن مقاله شما، وقتی ارشیف مقالاتم را در سایت افغان - جرمن آنلاين مرور کردم با تعجب این نوشته ام را در میان مقالاتم نیافتم. اگر من آنرا به کمیته دفاع از ملالی جویا فرستاده باشم شاید بعد از نوشتن بکار دیگری مصروف شده ام و فراموش کرده ام تا آنرا به پورتال افغان-جرمن بفرستم، ورنه ممکن نبود که پورتال آن را چاپ نکند. اینک آن نوشته را با همان عنوانی که براو گذاشته بودم و در ارشیف مقالات من نیست اکنون بدست نشر میگذارم تا شما و هم هواخواهان ملالی جویا آنرا بخوانند:

مه فشانده نور وسگ عوعو کند**هرکسی برطینت خود میتند**

"مولوی"

۲۰۰۸/۵/۱۱

آقای عاصم سیف، مقالتي بس کوبنده بجواب رستم شجاع و نورانی، در پورتال افغان-جرمن در تاریخ ۱۰ می ۲۰۰۸ به نشر سپرده و در آن از هواخواهان ملالی جویا، این نماد شجاعت و مبارزه تقاضا کرده تا در دفاع از او برخیزند. ما که از همان روز اول شنیدن نام ملالی جویا و وطنین اعتراض عالمگیرش بر جنایتکاران تنظیمی در لویه جرگه قانون اساسی افغانستان، که فریاد زد: "جنایتکاران را به دادگاه های ملی و بین المللی بسپارید تا محاکمه شوند! آزموده را آزمودن خطاست."، اخلاصمند او شده و سر تسلیم به شجاعت و دلیری او خم کرده ایم. باتاسف عمیق میگوئیم که: شرم باد بر انسانهای که مدعی روشنفکری اند، ولی با جنایتکاران دست یکی کرده و بریک زن دلیر افغان که گناهی و سلاخی جز شهامت و شجاعت بیان ندارد، نامردانه می تازند و کثیف ترین سخنان را به ادرس او ابراز میدارند. نمیدانم خاموش کردن صدای یک زن، که در طول تاریخ، مقهور زورگویی و خشونت و وحشیانه مردان جامعه خود قرار داشته، و اینک در شرایط استخوانسوز سه دهه اخیر کشور، سربلند کرده و درد میلیونها زن و مادر داغ دیده را فریاد میزند، چه افتخاری برای آنها در بر دارد؟ چرا صدای ملالی جویا چون خار مگیلان بر چشم و قلب مردان بزدلی میخلد که بدون شرمساری و خجالت از وجدان خود، بر این قهرمان زن افغان که نظیرش را تاریخ خیلی کم بیاد دارد، زبان به ناسزاگویی باز میکنند؟ واقعاً این افراد اگر ذره ای وجدان داشته باشند، باید هزاران بار نزد وجدان خود خجالت بکشند و از انسان بودن خود نیز پشیمان. هیچ مرد با شرفی که دستش به خون مادران و خواهران و کودکان وطن الوده نباشد، از وجود ملالی جویا بیمی به خود راه نمی دهد و اگر کمی انصاف داشته باشد، بنامش افتخار هم میکند. آخر تا آن روز که ملالی جویا لب به سخن گشود و رو در روی جنایتکاران تنظیمی را مورد سوال و ملامت قرار داد، هیچ مردی این جرئت را نمود که چنین سخنی را بر زبان بیاورد، زیرا که هر کس از جان خود میترسد تا مبدا از سوی تفنگداران تنظیمی سربه نیست شود پس اگر ملالی جویا به عنوان یک زن فدا کار و از خود گذر و با شعور قدم به جلو گذاشت و ماسک جنایتکاران را در مقابل کامره تلویزیونهای همه جهان درید و تحسین بیدریغ افکار عامه را برانگیخت، و محبوب همه قلبهای داغ دیده گردید، این حق او بود که از سوی انسانهای با وجدان و با درک مورد تحسین و شادباش قرار گیرد پس او این محبوبیت را مفت و رایگان بکف نیاورده است، بلکه بر سر آن گفتارش از جان مایه گذاشته و بیمی از مرگ خود بدست جنایتکاران تنظیمی بخود راه نداده است.

آنانی که قلم به تخریب و تخریش ملالی جویا بر صفحات کاغذ میکشند، معلوم است که خود نه شجاعت دارند و نه شهامت و بنابراین دلاوری یک زن افغان چشم وجدان شان را کور ساخته و خود هیچگونه حرمتی به خواهر با عفت خود و به مادر با غیرت خود و به ناموس با عزت خود ندارند، پس گلایه بی هم از چنین افراد بی غیرت نباید داشت.

آخر چرا جنایتکاران از ملالی جویا که نه با خود بم و نارنجک دارد و نه توپ و راکت، این همه ترس دارند؟ پاسخ روشن است: چون خاین خایف است، ترس و بزدلی خاینین را باید در شهامت بیان و گفتار ملالی جویا جستجو کرد. ملالی جویا بدون هراس از جنگ سالاران و جنایت کاران حقیقت را میگوید و اعمال وطن فروشانه شان را افشا و تقبیح میکند. عناصر خاین و ضد منافع ملی چون خایف اند و نمیتوانند جواب قناعت بخش به او و ملت افغانستان ارائه کنند، لذا سعی دارند تا صدای رسای این شیرزن را که فریاد در گلو خفته میلیونها زن و مرد مظلوم و درد رسیده کشور است خاموش کنند، اما کور خوانده اند و نمیدانند که ملالی جویا از آنهای نیست که گردن برافراشته خود را دریای خوکان و جنایات کاران خم کند و تطمیع شود و یا از آنها بیمی در دل خود راه بدهد.

در بخش نظرخواهی به ارتباط مقاله: "کسی که درصدد ترور شخصیت ملالی جویاست ... از این قلم" آقای عتیق، از نیوجرسی ایالات متحد آمریکا در تاریخ ۲۶/۱۲/۲۰۰۸ مطلب جالبی را حکایت میکند که خواندنی است. او مینوسد: "در کامنت (تبصره) دوستی اینجا (در نظرخواهی) خواندم که نوشته بود: نام ملالی جویا لریزه بر اندام خاینان می اندازد. من جریان جالبی را از یکی از دوستانم که در تلویزیون "لمر" در کابل کار میکند شنیدم: قرار بود در برنامه "پوه خیره دوه نظره" ملالی جویا در برابر یکی از کسانیکه وی به جنایتکاران بودنش تاکید دارد رو در رو قرار گیرند و بحث نمایند.

دایرکتر برنامه با سیاف تماس گرفت که بحثی هست آیا میتواند شرکت کند یا خیر، وی ابتدا قبول کرد اما بعد وقتی برایش گفته شد که مقابلش جویا خواهد بود لحظاتی بعد یکی از نمایندگانش زنگ زد و گفت "استاد" نمیتواند شرکت کند.

بعد سراغ محقق رفت، و برایش گفت که در بحثی در برابر جویا باید شرکت کند، وی فوری پذیرفت و قرار شد که فردا برنامه ثبت شود و هر دو در استودیو حاضر شوند، اما فردا صبح نماینده او هم تماس گرفت و گفت محقق مصروف شد نمیتواند بیاید.

دایرکتر بیچاره فوری پی یکی بعد دیگری را گرفت اما هرکدام وقتی میدانستند که با جویا طرف خواهند بود فوری دلیلی آورده پای خود را میکشیدند. وقتی میبینند که این برنامه ممکن عملی نشود، دایرکتر این بار میکوشد تا با چال یکی از اینان را در دام انداخته زیر ضربات ملالی جویا قرار دهد.

به جبار شلگری (عضو پارلمان مشهور به سگ سیاف) تماس میگیرد که در برنامه ای روی فلان موضوع شرکت میکند یا خیر، وی میپرسد بلی اما نفر مقابل کی خواهد بود، دایرکتر میگوید هنوز نفر دوم تعیین نشده یکی دیگر از اعضای پارلمان را دعوت خواهد کرد.

وقت ثبت برنامه میرسد، جویا اول داخل استودیو میشود و در کنجی منتظر می ماند، بعد شلگری میرسد و دایرکتر فلم نطق و کمره را آماده گذاشته و طوری صحنه سازی میکند که شکارش نتواند از گیر جویا فرار کند و فوری برنامه آغاز گردد، شلگری وقتی متوجه میشود با جویا طرف است دستپاچه میشود اما مجبوراً به بحث ادامه میدهد که از لمر نشر شد و بسیار جالب بود به حدی که بعد برنامه "زنگ خطر" طلوع در موردش خنده و تبصره کرد.

وقتی ثبت برنامه تمام میشود، شلگری با نطق دعوا میکند که چرا قبلاً او را از اینکه با جویا طرف خواهد بود آگاه نساخته ورنه او به این بحث نمی آمد. این مثالی بود از اینکه چگونه خاین خایف است و از مواجهه با جویا که زبان آتشین و رک و بی هراس دارد فرار میکنند.

تصویری از جریان این برنامه جویا در برابر شلگری: <http://i38.tinypic.com/1z9g1f.jpg>

فلم کامل این بحث تلویزیون لمر که بسیار جالب است: <http://video.google.com/videoplay>

دراخیر میگوئیم که ما باتمام قوت وجدان خود از این زن شجاع تا زمانی که مرتکب خیانت ملی نشده باشد، حمایت میکنیم. و او هم می بایستی در راهی که انتخاب کرده، استوار گام بردارد و از اینگونه برجسپها هیچگونه تشویشی بخود راه ندهد. **پایان**